

ادامه از صفحه اول

کاف «رامنی» در دقیقه نود!

اما اینکه اوپاما در مسند اقتدار قرار دارد البته برایش مزیتی محسوب می‌شود، اما از طرفی از نشانه‌های دموکراسی یکی این است که افکار عمومی از همان فدرای انتخابات در مقابل دولت منتخب خودشان جبهه می‌گیرد، تا سرانجام آن را تعویض کنند! محدودیت انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا به دو دوره تا حدی از نگرانی سلطنتی و درباری شدن جمهوری می‌کاهد.

یعنی در تضاد میان بهره‌مندی از قرار داشتن در مسند اقتدار و تقابل با قدرت حاکم، وزنه به سود اوپامااست. با این حال آخرین نظرسنجی‌ها نشان می‌داد که اوپاما از حمایتی ۴۷درصدی برخوردار است و رامنی دو سده‌صدی کمتر از او، حدود هشت‌درصد آرای مردد یعنی همان آرای تعیین‌کننده است. فراموش نمی‌کنم رقابت انتخاباتی نیکسون و کندی را، در زمانی که نیکسون از مزیت اقتدار در مقام معاونت رییس‌جمهوری برخوردار بود، در سالیان پیش که هر دو نامزد بسیار سخنور و مسلط و مقتدر بودند و رقابت‌شان در شرایط مشابه و فشرده و شانه به شانه قرار داشت.

برای نخستین بار برای نامزدها مناظره‌ای تلویزیونی ترتیب داده بودند. در آن مناظره جان کندی ضمن صلاحیت‌های فردی با ظاهری مطبوع و برآزنده و آراسته در حد سینمایی ظاهر شد، در حالی که ریچارد نیکسون به‌رغم صلاحیت‌ها و مزایای فردی و بهره‌مندی از مسند معاونت رییس‌جمهور، با ظاهری خسته‌تر و با ریشی ظاهر شد که در فاصله میان تراشیدن و ظاهر شدنش در برابر دوربین قدری به سیاهی می‌زد. به طوری که کارشناسان در آن زمان برآورد کردند، همین مقایسه ظاهری کفه ترازو را در آخرین لحظه به سود کندی سنگین کرد و البته برایش مرگی تاریخی و به یادماندنی به بار آورد!

در شرایط و زمانی مشابه و حساسی که کمتر از دو ماه به انتخابات مانده است آقای رامنی مرتکب گفنی در حد یک پنالتی در دقیقه نود به نفع اوپاما شد! ایشان در محفلی با حضور خودی‌های جمهوری‌خواه از آن حرف‌های «چون به خلوت می‌روند» زدا ایرادی ننایابویی از اوپاما گرفت که چرا نسبت به ایران خشن‌تر رفتار نمی‌کند، که تاثیر چندانی ندارد، زیرا آرای اکثریت آمریکایی‌ها چندان توجیه به مسایل خارجی ندارد. اما سخنی پرخونده و اهانت‌آمیز نسبت به ۴۷درصد آرای برآوردی طرفداران اوپاما زد که قطعا بر آن هشت‌درصد «مردد» تأثیری قطع خواهد گذاشت. ایشان به طرفدارانش که نمایندگان جامعه نروتمند و برخوردار آمریکا هستند طرفداران ۴۷درصدی اوپاما را با تحقیر کنسانی نامید که مالیات نمی‌پردازند! یعنی فقیر هستند و درآمدشان در حدی نیست که مشمول مالیات مستقیم باشد. و این در شرایطی است که اولاً بخش عمده مالیات‌های کشورهای مرفه به طور غیرمستقیم از محل مالیات بر ارزش‌افزوده در هر خریدی تامین می‌شود و خرید نهایی و خرده‌فروشی روزمره توده‌های مردم در حد نیازهای انسانی با افراد نروتمند تفاوت چندانی ندارد و ثانیاً توده‌هایی که سطوح درآمدی آنها کم و متوسط با مالیات مستقیم اندک است بسیار بیشتر از ۴۷درصدی است که درآمد سرانه آن کشور را به بالاتر از ۵۵هزار دلار می‌رساند! این درآمد سرانه برای اکثریت بزرگی از آمریکاییان در حد درآمد خوار است که سرانه آن در حدود یک چهارم میانگین می‌شود و بقیه میانگین را درآمدهای فوق‌العاده‌دوستانی تشکیل می‌دهد که آقای رامنی در آن محفل خودی‌ها قول کاستن از مالیات به آنها داده بود!

یکی از درس‌های بحث و مجادله این است که سیاستمداران نباید در شرایط تدافعی قرار گیرند و به همین دلیل یکی از توصیه‌های کلاسیک به سیاستمداران این بوده است که رقیب را در موضعی تدافعی قرار دهند! مانند منتهی که بخواهد از خودش دفاع کند، که متهم شدن به خودی خود ضربه را وارد کرده است! منطقی که دیروز از آقای رامنی دیدم این بود که مشغول رفع و رجوع و بند زدن کاسه شکنسته با عبارت‌های رایج «منظورم این نبود» و «واژه درستی به کار نبردم» و «منظورم این بود که خیلی هم احترام می‌گذارم» بود! و متقابلاً اوپاما را در وضعیتي تهاجمی دیدم که حمله می‌آورد و خودش را در کنار و در میان ۴۷درصدی که بسیار هم بیش از آن هستند در جبهه‌ای واحد قرار داده و به آنان نوید رفع بحران اقتصادی و شغلب بیشتر و تامین اجتماعی و بهداشتی بهتر می‌داد و خصوصاً در این‌باره پای می‌فشارد که رییس‌جمهور باید خودش را نماینده یک ملت بداند و ایجاد تفکیک و تفرقه و تبعیض نکند!

«سها عرفات» می‌گوید که همیشه می‌داست مردی مانند «عرفات» حتی در ۷۵سالگی نیز تسلیم بیماری نمی‌شود و چنین مردی به دست دشمنان با رقیا به قتل رسیده یا مسموم می‌شود.البته بسیاری چنین احتمالی می‌دادند ولی مدرکی برای اثبات آن در دست نبود اما هشت سال پس از مرگ رهبر فلسطین همچنان این شک و تردیدها وجود دارد حدود دو ماه پیش انسیتیوی پرتوشناسی شهر «وزان» اعلام کرد که در لباس‌زیر و کلاه و مسواک عرفات آثاری از ماده مرگبار «پولونیوم ۲۱۰» مشاهده شده است. پولونیوم ۲۱۰ فلزی رادیواکتیو و بدون بو و مزه است که چندان قابل مشاهده نیست و تنها ۱/۱میکروگرم آن می‌تواند موجب مرگ بشود. این آزمایش‌ها با تلاش‌های سها عرفات ۴۹ساله و به کمک شبکه تلویزیونی «جزیره» انجام می‌گیرد و حل آن نشوری‌های توطئه، رنگ و بوی یک داستان جنایی را به خود گرفته است. به‌ویژه از آن زمان که بیوه عرفات شکایتی در این مورد به دادگستری فرانسه تسلیم و دادستانی فرانسه دستور تحقیق و رسیدگی با موضوع «قتل» را صادر کرد. اما دسترسی به سیاه کار چندان ساده‌ای نیست و حتی راننده تاکسی هم برای یافتن خانه او در «مانتا» و در آن کوچه‌های پرپیچ‌وخم به زمان زیادی نیاز دارد. خانه سها با اتومبیل نیم ساعت از پایتخت فاصله دارد. خانه‌ای در سرانشی که خیابان با حیاط و باغچه‌ای کوچک و یک اتومبیل کوچک کرامی سها عرفات از دو سال پیش همراه با مادرش در این خانه زندگی می‌کند دختر ۱۷ساله‌اش یعنی «سها» نیز در فرانسه به دبیرستان می‌رود. بیوه عرفات در را به روی ما باز می‌کند. لباس و کفش ساده به تن دارد. بسیاری از فلسطینی‌ها از وی به عنوان شیطان یاد می‌کنند زیرا عرفات همواره تأکید داشت که تنها با زنی به نام «فلسطین» ازدواج کرده است. اما این زن به هر صورت به همسری رهبر فلسطین درآمد و زمانی نفرت علیه وی شدت گرفت که در سال ۱۹۹۵ «رامالله» را ترک و به پاریس رفت زیرا زندگی در پایتخت فرانسه را بیشتر می‌پسندید. بیوه عرفات از شک و تردیدهایش می‌گوید که از همان روز ۱۲ اکتبر ۲۰۰۴ و آغاز بیماری عرفات شروع شد؛ از همان روزی که رهبر فلسطین ناگهان دچار دل‌درده اسهال و استفراغ شد و در عرض مدتی کوتاه چنان آب رفت که او را با همان لباس ورزشی و کلاه پشمی به یک کلینیک نظامی در پاریس منتقل کردند و در روز ۱۱ نوامبر همان سال درگذشت. از نظر سها چنین مرگی نمی‌تواند طبیعی باشد. سها با چشمی اشک‌آلود در استودیو الجزیره نشست و خواهان روشن‌شدن علت مرگ همسرش شد و حال در اتاقی که تصویر عرفات بر دیوار آن آویزان است نشست و خود را به هدف نزدیک می‌بیند: «من

بسیار در این مورد خوشبین هستم که طی مدتی کوتاه نتایج مثبتی می‌گیریم و بالاخره واقعیت روشن می‌شود. این یک تصور نیست زیرا دلایل زیادی برای این خوشبینی دارم.» برای بررسی پروتوهای پولونیوم ۲۱۰ زمانی ۱۳۸ روزه لازم است و از همین رو «سعد جبار» یکی از وکلای سها در پاریس عقیده دارد که طی چند هفته آینده جسد مورد بررسی قرار خواهد گرفت. او در تلویزیون الجزیره گفت به دلیل آنکه آغاز و پایان قتل عرفات در خاک فرانسه بوده است، دادگستری این کشور صلاحیت بررسی پرونده را دارد. جبار سپس جمله عجیبی را می‌گوید به این مضمون که سها از ممانعت تشکیلات خودگردان برای روشن‌شدن واقعیت نگرنای داده، و این جمله‌ای است که خشم «توفیق تیراوی» را برمی‌انگیزد زیرا این اتهام متوجه او نیز هست. این ژنرال که رییس تشکیلات اطلاعاتی عرفات بود از دو سال پیش ریاست کمیسونی را بر عهده دارد که در مورد علت مرگ رهبر فلسطین تحقیق می‌کند. تیراوی از زمان آغاز آزمایش‌های پولونیوم همواره باید توضیح بدهد که چرا شبکه الجزیره و نه او به فکر آزمایش لباس‌زیر عرفات افتاد.

تیراوی از سه سال پیش از مرگ عرفات و در دورانی که رهبر فلسطین به دلیل محاصره رامالله توسط ارتش اسرائیل امکان خروج از این شهر را نداشت، هر روز با وی ملاقات می‌کرد: «من دقیقاً می‌دیدم که عرفات چگونه حالش وخیم‌تر می‌شود. اول یک لکه روی صورتش ظاهر شد و سپس پری‌پری استفراغ می‌کرد و وزن زیادی از دست داد. پوست باهایش چنان حساس شده بود که به جز صندل چیز دیگری نمی‌توانست بپوشد. ما همیشه بر این باور بودیم که اسرائیلی‌ها عرفات را مسموم کرده‌اند.» به عقیده تیراوی شبکه الجزیره فقط فعلا آخر این بازل را کشف کرده است. او ادعا می‌کند که کمیسیون تحت ریاست وی تلاشی خستگی‌ناپذیر در این مورد دارد اما نمی‌تواند نتایج این بررسی‌ها را

منتشر کند: «فقط این را می‌گویم که به نتایج موفقیت‌آمیزی رسیدیم.» اما نه تنها سها عرفات بلکه بسیاری از فلسطینی‌ها نظر دیگری دارند. به عقیده آنان تشکیلات خودگردان هرگز تلاشی جدی برای یافتن علت مرگ عرفات انجام نداده است. اولین کمیسیون تحقیق شش ماه پس از مرگ عرفات منحل و سپس بار دیگر در سال ۲۰۱۰ تشکیل شد. البته فلسطینی‌ها نیز در مورد لزوم تحقیقات بیشتر در مورد این پرونده دلایل قابل قبولی

اسرار مرگ «عرفات»

ترجمه: محمدعلی فیروز آبادی



ارابه می‌کنند زیرا آن گزارش ۵۵۵ صفحه‌ای کلینیک فرانسوی درباره مرگ قهرمان ملی مردم فلسطین بیش از آنکه پاسخی به اتهامات داده باشد، پرسش‌های دیگری را مطرح می‌کند. به عنوان مثال: چرا سها عرفات اجازه نمونه‌برداری از کبد متوفی را نداد؟ چرا کسی درخواست کالبدشکافی نکرد؟ چگونه امکان دارد بهترین پزشکان فرانسه علت آن سکنه عجیب را نفهمند؛ همان سکنه‌ای که باعث انعقاد خون و منجر به مرگ شد؟ آیا دولت فرانسه نیز در بی‌حفظ اسرار مرگ عرفات است؟ جالب آنکه با وجود همه نقص‌ها و کمبودهای این گزارش، در همان زمان نوبسنده اسرائیلی «آوی ایساخاروف» در روزنامه هال‌ارتص از «حرف‌اف این پرونده» نوشت. ایساخاروف در عین حال اضافه کرد که خنده‌دار این است که در این میان تنها یک نفر آن یک هم روزنامه‌نگار اسرائیلی و نه تشکیلات خودگردان و سها عرفات، اقدام به انتشار این گزارش می‌کند. ایساخاروف در مقاله خود چنین اظهارنظر کرد که شایعات و حرف‌های پوچی مانند ابتلای عرفات به ایمن یا مسموم شدن وی توسط رفقایش مطرح می‌شود اما هر کس به دنبال انگیزه و علت مرگ وی می‌گردد باید سری به اسرائیل بزند! «زیل شارون» نخست‌وزیر وقت اسرائیل در سال ۲۰۰۲ گفته بود: از اینکه عرفات را در جنگ لبنان نکشته متانف است. در سال ۲۰۰۳ نیز معاون وی یعنی ایهود اولمرت از گزینه قتل برای راهی از شر عرفات

گفته بود. اما این گفته‌ها به عنوان سند معتبری ندارد. هر کس از اسرائیلی‌ها در مورد مرگ عرفات بپرسد با این پاسخ روبرو می‌شود: «ما دخالتی در این مورد نداشتیم.» بیس دفتر وقت شارون یعنی «دوو وایسگلاس» نیز در این مورد می‌گوید: «بنا به دورانोज تروها عرفات نکتشیه چه دلایلی دارد سال ۲۰۰۴ یعنی زمانی که در خانه‌اش ایزوله بود و نفوذ سیاسی‌اش را از دست داده بود و را بکشم!» اما پولونیوم ۲۱۰ کالایی نیست که بتوان آن را از

سوپرمارکت خرید. معدود کشورهایی توانایی تولید این ماده را دارند و برای این کار به راکتور اتمی نیاز است. البته اسرائیل از مدت‌ها پیش به پولونیوم دسترسی دارد. در عین حال پرسش دیگری هم وجود دارد: چرا همه امروز، یعنی هشت سال پس از مرگ عرفات و شش سال پس از قتل آن روس یعنی الکساندر لیویننکو؟ که از وی به عنوان اولین قربانی پولونیوم یاد می‌شود به فکر این پرونده افتاده‌اند؟ سها عرفات می‌گوید که تلاش برای



عکس:AP

کشف واقعیت به او انگیزه می‌دهد. اما شاید دلیل وی تنها این نباشد زیرا سها نه تنها در رامالله بلکه در تونس و فرانسه نیز به اتهام پولشویی و فساد تحت تعقیب قرار دارد. هنوز هم شایعاتی در مورد آن ۳۰۰ میلیون دلاری که پس از مرگ عرفات ناپدید شد دهان به دهان می‌چرخد و فلسطینی‌هایی که از همسر عرفات نفرت دارند او را مسوول ناپدید شدن آن پول می‌دانند. اما در رامالله شور و شوق چندانی برای باز شدن این پرونده وجود ندارد و گفته می‌شود که همه این تلاش‌ها از سوی شبکه

الجزیره و با هدف سرنگونی محمود عباس صورت می‌گیرد البته فلسطینی‌ها این را هم می‌دانند که جست‌وجو برای یافتن قاتل عرفات می‌تواند برای آنان سودمند نیز باشد. در حال حاضر هیچ مذاکره‌ای میان اسرائیل و فتح و حماس صورت نمی‌گیرد و وضعیت اقتصادی فلسطین وخیم است و یک شهید مسموم‌شده می‌تواند به این سکون و بی‌برنامگی پایان دهد و شاید به همین سبب بحث و جدل‌ها در مورد وضعیت فلسطین قبل و بعد از مرگ عرفات بالا گرفته است. «یمار حامد» اسرائیل سیاسی عباس می‌گوید: «تا به امروز ما از متهم کردن اسرائیل

به قتل عرفات پرهیز کرده‌ایم. اما اگر در جسد او پولونیوم یافت شود به احتمال تقریباً صددرصد کار اسرائیل بوده است. در این صورت به ما ثابت می‌شود که اسرائیل اصلا در پی صلح نیست.» مقام‌های فلسطینی درخواست تشکیل یک دادگاه ویژه مانند دادگاهی را دارند که در مورد مرگ «فیق حریری» نخست‌وزیر پیشین لبنان تحقیق می‌کرد. تفاوت میان دو پرونده در این است که در این مورد شواهد و مدارک روشن‌تری در مقایسه با پرونده حریری در دست است. از ژنرال تیراوی می‌پرسیم که اگر هنوز عرفات زنده بود وضعیت فلسطین چگونه بود؟ و او محتاطانه پاسخ می‌دهد: «احتمالاً بدتر از امروز». اما نیمار حامد فقط لخبند است. او از جمله معدود افرادی است که هنوز هم عرفات را رییس‌جمهور فلسطین می‌دانند. امروزه تصاویر عرفات در خیابان‌های رامالله دیده نمی‌شود و آرامگاه وی واقع در کنار کاخ ریاست‌جمهوری بازدیدکننده‌ای ندارد. تنها مردانی فرقوق به‌دست در حال تخلیه مصالح ساختمانی هستند و قرار است که مقر ویران و سوراخ سوراخ عرفات تبدیل به یک ساختمان آبرومند و جدید شود. نگهبان آرامگاه می‌گوید که این مکان نیز در دست بازسازی است. تاج گل‌ها را بیرون برداند و هیچ گارد احترامی وجود ندارد و تنها سنگ یادبودی بر مکعبی که روی گور عرفات قرار دارد دیده می‌شود؛ همان گوری که عرفات همراه با اسرار مرگ خود در آن آرمیده است؛ اسراری که شاید تا جندی دیگر برولا شود.

منبع:اشپیگل

اقداماتی است که به نظر لیبرمن «یک‌جانبه» بوده و عباس نباید در آن نخست‌وزیر چین، بیش از کسب موفقیت، در این کشور خرابی به بار آورد.اند این مقاله از ۱۰ بحران پیش روی چین که در فتلان اصلاحات سیاسی شکل گرفته و موجب ایجاد نا رضایتی عمومی شده بودند، برده برمی‌داشت. دنگ در این مقاله تأکید می‌کند که ماهیت دموکراسی، جلوگیری از گسترش قدرت حکومت است و به همین علت است که چین، بیش از هر زمان دیگری، نیازمند اجرای دموکراسی است. ریسه بسیاری از مشکلاتی که چین هم اکنون با آن دست به گریبان است، نظام حکومتی متمرکز است که هیچ محدودیت و نظارتی را برنمی‌تابد. این تنها بخشی از میراثی است که برای «شی چینگینگ» که جای مانده است، پس از ۳۰ سال رشد اقتصادی، بی‌آنکه به اصلاحات سیاسی دستنی برده شود، به‌زودی بزنگاهی تاریخی فرامی‌رسد که چیدمانی نوین و شرایطی متفاوت را می‌طلبد. بزنگاهی که نیازمند ایجاد تغییرات اساسی در قوانین و مقررات است. پیش‌بینی اینکه این تغییرات چگونه و در چه زمانی رخ می‌دهند، ممکن نیست. آنچه مسلم است، این است که نیل به این اهداف تنها در سایه مذاکرات دو جانبه ممکن است.

منبع:نیویورک تایمز

ادامه از صفحه ۶

داستان چین

۲. در ماه مارس، مقامات چین، تصویر تصادفی مرگبار در پکن را از دنسای مجازی حذف کردند. تصویری که گمان می‌رفت فرزند یکی از نزدیکان «هو جین‌تاو»، رییس‌جمهوری چین در آن دخیل باشد. راننده خودرو مربوطه یک فراری بود. راننده کشته شده بود و دو سرنشین دیگر، که زنای جوان بودند به سختی مجروح شده بودند. به گزارش روزنامه گاردین، این تصاویر، پس از مدت کوتاهی، از تمامی وبلاگ‌ها و وبسایت‌ها حذف شدند. این روزنامه در ادامه می‌نویسد: «حتی جست‌وجوی کلمه فراری در شبکه اجتماعی ویبو مسدود شد.» منابع خبری ناشناس پس از تشخیص هویت راننده خودرو اسپورت مشکی، اطمینان حاصل کرده‌اند که تصویر، مربوط به فرزند «لینگ جیپو» است که هفته گذشته از مقام ریاست اداره کل کمیته مرکزی حزب برکنار شده بود. این آخرین حلقه از زنجیره حوادثی است که ثروت‌های کلان و ولخرجی‌های اعضای حزب کمونیست را بیش از پیش برملا می‌کند. مقامات چین، از افشای چنین حقایقی به شدت وحشت دارند چراکه رویدادهایی از این دست در مقابل سبک زندگی اعضای این حزب، مانند کوه یخی در آب است که تنها راس آن نمایان است. سیستم فاسدی که رابطه تنگاتنگ میان حزب و بانک‌های دولتی را هر روز پیچیده‌تر می‌کند و موجب می‌شود تا مقامات عالی‌رتبه، خانواده‌های شان و شاهزاده‌های جوان در ثروت‌های ملی چین غرق شوند و حتی این ثروت‌ها را از خاک چین خارج کنند.در نتیجه، ما دایما می‌شویم که خطرات ناشی از تاخیر در اصلاحات، از خطرات ناشی از اجرای اصلاحات به مراتب جدی‌تر است. هیچکس از انقلاب حرف نمی‌زند اما گذار تدریجی از این برهه زمانی، برای رسیدن به یک سیستم حکومتی شفاف و قانون مدار، تمام آن چیزی است که جامعه چین بدان نیاز دارد. اما حتی برداشتن نخستین گام به سوی چنین سیستمی، برای حزب کمونیست دشوار به نظر می‌رسد. در شرایطی که شکاف میان فقرا و ثروتمندان، هر روز عمیق‌تر می‌شود، ایجاد تغییرات تدریجی، ناچار از بروز بحران است.

۳. در هفته‌ای که گذشت، به دنبال انتشار عکس‌هایی از دانش‌آموزانی از «چاچنگ»، واقع در مرکز چین، که در کنار کتاب و دفترهای‌شان، میز و صندلی خود را انیز به مدرسه می‌بردند، خبرگزاری شهنوا، از سرمایه‌گذاری ۱/۴میلیون دلاری مقامات جابنگ برای ایجاد تجهیزات در مدارس این ناحیه خبر داد. این رویداد، خشم کاربران اینترنتی را برانگیخت، چراکه شکاف آموزشی امروز در چین بیادام می‌کند.

۴. «هو جین‌تاو»، رییس‌جمهوری چین اخیراً پیشنهاد کرد که بد نیست مردم هنگ‌کنگ درباره سرزمین‌شان بیشتر بدانند.به‌دلیل این پیشنهاد، مقامات ایسن ناحیه، تصمیم گرفتند که بخشی از برنامه‌های آموزشی اجباری مدارس ابتدایی و راهنمایی هنگ‌کنگ را به درس‌های ملی-اخلاقی اختصاص دهند. به گزارش «سی‌ان‌ان»، محتوای آموزشی برنامه، بیشتر در کتابچه‌ای دولتی به نام «مدل چین» خلاصه شده و در ماه جولای در مدارس توزیع شده بود. در این کتاب، حزب کمونیست چین، دیگر، خواص، مترقی و یکپارچه توصیف شده و برقراری یک نظام دو حزبی، همانند آنچه که در ایالات متحده در جریان است، مصیبت‌بار تلقی شده بود. در واکنش به این اقدام و در مخالفت با شست‌وشوی مغزی دانش‌آموزان، جوانان هنگ‌کنگ، که در مقایسه با سایر دانش‌آموزان چین، به مراتب آزادی بیشتری دارند، تظاهراتی را سازمان دادند، که پس از مدت کوتاهی، به دانشگاه‌ها و خانواده‌ها سرایت کرد. در نتیجه، در هشتم سپتامبر، یک روز پیش از برگزاری انتخابات، «لوئنگ چون بینگ»، فرماندار هنگ‌کنگ، گذراندن این دوره‌ها را اختیاری اعلام کرد.

۵. چند هفته پیش، «دنگ یون»، ویراستار ارشد «استاندی تایمز»، نزدیک به حزب کمونیست، مقاله‌ای تحلیلی را در وبسایت مجله اقتصادی سایچینگ، منتشر کرد که ثابت می‌کرد، طی ده سال گذشته، رییس‌جمهور